

سیاست‌های دریافت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در کشورهای آسیایی: درس‌های مقابله و بهره‌وری برای ایران^۱

مهدی منتظر قائم*

چکیده

مقاله حاضر پس از شرح مختصر ویژگی‌های عصر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و تغییرات ایجاد شده در مفهوم سیاست رسانه‌ای، وضعیت فعلی دریافت مستقیم برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در ایران و سیاست ممنوعیت آن را نقد و بررسی می‌کند. مطالعه موردی وضعیت دریافت تلویزیونی از ماهواره در سیزده کشور آسیایی نشان می‌دهد بیشتر آن‌ها بهره‌وری مناسب از محتوا و کانال‌های مطلوب را به عنوان محوری‌ترین جزء سیاست خود مدنظر داشته‌اند و از برنامه‌های کانال‌های خارجی برای جبران نقصان رسانه‌های داخلی و جلب مجدد مخاطبان به خدمات کنترل شده بهره می‌گیرند. با این حال، حجم، نوع محتوا، زبان پخش، میزان و نحوه اعمال نظارت محتوایی (سانسور) و نیز تعداد و نوع مالکیت و مدیریت سازمان‌های مربوطه و روش توزیع و پخش در بین کشورهای مورد مطالعه تفاوت بسیاری دارد.

۱- متن اولیه این مقاله در آبان ۱۳۸۱ به سفارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شده بود و در این جا لازم می‌دانم از مسئولان محترم آن مرکز تشکر نمایم.

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. / mehdighaem@yahoo.com

مسئله دریافت تلویزیونی از ماهواره در ایران هنوز حل نشده و مسئولان، سیاستمداران، احزاب و مردم به طور مکرر وضعیت فعلی را به نوعی مورد نقد قرار می‌دهند. محرومیت استفاده از برنامه‌های مطلوب کانال‌های ماهواره‌های برای جلب رضایت مردم و کاستن از تمایل آن‌ها به سوی آسمان پر از ماهواره و ماهواره‌های پر از مخاطره، امکان اجرایی شدن قانون ممنوعیت را به شدت تقلیل داده است. بررسی تجارب سایر کشورهای آسیایی نشان می‌دهد که می‌توان با حفظ حساسیت‌های فرهنگی و سیاسی از برنامه‌های ماهواره‌ای موجود بهره برد.

واژگان کلیدی: ماهواره‌ای پخش مستقیم: دریافت برنامه‌های تلویزیونی از ماهواره: سیاست ماهواره‌ای؛ تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی (LCTs)، کشورهای آسیایی - سیاست ماهواره‌ای؛ ایران.

مقدمه: عصر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی

جهان از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج وارد عصر نوینی شده و فهم و درک چستی و چرایی آن، و نیز برنامه‌ریزی مناسب برای همگامی و یا مقابله با آن، مستلزم استفاده از مفاهیم و نظریه‌های جدید است. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید^۱ نقش تعیین‌کننده‌ای در این میان داشته‌اند. این تکنولوژی‌ها که برای برقراری ارتباط و یا انتقال اطلاعات بین انسان‌ها (تولید، انتشار و ارسال، نگهداری، دریافت و بازاریابی انواع اطلاعات و پیام‌های کلامی، صوتی و تصویری) به کار می‌روند شامل مجموعه وسیع و متنوعی است از سخت‌افزار، نرم‌افزار، رسانه‌ها و حتی سیستم‌های توزیع و پخش اطلاعات و محتوا را شامل می‌شود. این تکنولوژی‌ها پیشینه‌ای طولانی دارند اما ظهور و رواج بسیار سریع کامپیوترهای شخصی، ویدئو، ماهواره‌های ارتباطی (پخش مستقیم)، اینترنت و نظایر آن‌ها در طول دو دهه گذشته به عنوان یکی از عوامل اصلی ظهور دنیای جدید تلقی می‌شود.

ترکیب مدارهای کامپیوتری در درون تکنولوژی‌های ارسال و دریافت منجر به مینیاتوریزه شدن آن‌ها شده و افزایش ظرفیت و سرعت در عملیات ارتباطی (تولید، نگهداری، بازاریابی و ارسال و دریافت اطلاعات و محتوا) و نیز ادغام رسانه‌های قدیمی نوشتاری، صوتی و تصویری در یکدیگر را در پی داشته است. نوآوری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ارتباطی و رسانه‌ای همگام با تغییرات جهانی در سیاست‌ها (نظیر خصوصی‌سازی، مقررات زدایی، و

1- ICTs: Information and Communication Technologies

تکثرگرایی) ارسال و دریافت پیام‌ها و ایجاد شبکه‌های ارتباطی را آن‌چنان تسهیل نموده که گروه‌های مختلف، جوامع و کل جهان به شبکه‌هایی بسیار متکثر، فرامرزی و متداخل از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان تبدیل گردیده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۳؛ مک کوایل، ۱۳۸۰). یکی از پیامدهای آشکار شرایط جدید را باید تضعیف و حتی فروپاشی سیستم‌های مبتنی بر کنترل‌های سرزمینی (مانند حکومت‌ها) و کنترل‌های تخصصی (مانند سازمان‌های رسانه‌ای) بر رفتارهای ارتباطی شهروندان جامعه جهانی دانست.

تقریباً همانند تمام نوآوری‌های بزرگ ارتباطی در طول تاریخ ICTs نیز با رویکردهای ملهم از احساسات انسانی (اعم از امیدواری یا یأس) نگریده می‌شوند و، در نتیجه، سیاست‌ها و نحوه برخورد دولت‌ها و ملت‌های مختلف را می‌توان بر روی طیفی قرار داد که از خوش‌بینی تا واقع‌گرایی و تا بدبینی نوسان دارد. «برخی از نظریه‌پردازان ICTs را عامل ایجاد یک یوتوپیای دیجیتالی^۱ می‌دانند که در آن تمام انواع سرکوب استعدادهای انسانی از بین می‌رود و آزادی خواهی مجازی به تقویت دموکراسی واقعی منجر می‌شود. در سوی دیگر، برخی بر این باورند که این تکنولوژی‌ها امکان نظارت و کنترل صاحبان قدرت (در سطح ملی - جهانی) بر اعمال و حتی افکار و باورهای مردم و ملت‌ها را افزایش داده و کابوس جامعه وحشت و دیستوپیایی^۲ را در قالب کامل‌ترین نظام سلطه‌گر متجلی می‌کنند. گروه نخست در شوق جامعه آزاد و برابر و انسان فرهیخته و متعالی‌اند و گروه دوم در بیم از جامعه در بند و ناعادلانه و انسان سرگشته و نازل» (منتظر قائم، ۱۳۸۱).

در خصوص ماهواره نیز سیاستمداران، روشنفکران، مدیران سازمان‌های رسانه‌ای (به ویژه مدیران رادیو - تلویزیون‌های دولتی) و عامه مردم در کشورهای مختلف نگرش‌های متفاوتی را ابراز کرده‌اند. آنانی که رویکردهای نوسازی و ارتباطات توسعه‌گرا را ارج می‌نهند، از ظهور و رواج آن استقبال نموده‌اند، و آن‌هایی که بومی‌گرایی ناسیونالیستی و یا فرهنگی را در قالب ملت‌سازی و مبارزه با امپریالیسم فرهنگی در نظر دارند، ماهواره را به دیده تردید و طرد نگریده‌اند (پاشوپاتی و دیگران، ۲۰۰۳). به عنوان نمونه، شوآرتز (۱۹۹۶) معتقد است تکنولوژی ماهواره‌ای برای کشورهای در حال توسعه اهمیتی حیاتی دارد و می‌تواند فعالیت‌های داخلی بخش‌های دولتی، اقتصادی، و سازمان‌های عمومی را کارا تر کرده و ضمن تقویت ارتباط کشور با جامعه جهانی، در جلب سرمایه و جهانگردان خارجی آثار جدی داشته

1- Digital Utopia

2- Dystopia

باشد. در سوی دیگر، بسیاری از نظریه پردازان ماهواره و پخش و دریافت مستقیم تلویزیونی از طریق آن را عامل و تسهیل کننده تهاجم فرهنگی غرب، تخریب هویت‌های بومی به نفع فرهنگ مسلط آمریکایی، و در نهایت یک‌سانی فرهنگی می‌دانند (شیلر، ۱۹۹۸: و نیز مقالات متعددی در ملکوت و دیگران، ۱۹۹۸).

همان‌گونه که بسیاری از دانشمندان (مثلاً ن. ک. کاستلز (۱۳۸۰آ) معتقداند، هر دو گروه خوش‌بین و بدبین نسبت به قابلیت‌ها و اثرات ICTs در دام جبرگرایی فنی قرار دارند و، بر این باور بنیادین اصرار دارند که فناوری به تنهایی عامل و علت اصلی تغییرات به وجود آمده است. در حالی که، ICTs و به طور کلی همه فناوری‌ها خود محصول نیروهای اجتماعی و جهانی‌اند، و کاربرد و آثار نهایی آن‌ها با تعامل دیالکتیکی با نیروهای اجتماعی و عواملی نظیر فرهنگ، نظام حقوقی، نظام اقتصادی و... و نیز اراده و آگاهی افراد و سازمان‌ها (و حکومت‌ها به عنوان گسترده‌ترین و قدرتمندترین ساختار جوامع) تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، جبر تکنولوژیک با اراده فردی و جمعی انسان‌ها کنترل، مهار و هدایت می‌شود. آن چه در دوران معاصر حایز کمال اهمیت است همانا درک کامل قابلیت‌ها و شرایط عینی جامعه و جهان پیش روی و تلاش برای ایجاد مطلوب‌ترین ترکیب از مزایا و مضرات جبری و محتمل مترتب بر تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. به عبارت دیگر، تلاش برای افزایش مزایای مورد انتظار و کاستن مخاطرات ناشی از ICTs برای افراد و کلیت جامعه (از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره) اساس و هدف سیاست‌گذاری ارتباطی و رسانه‌ای را تشکیل می‌دهد. بخش بعدی این نوشتار، به طور بسیار خلاصه مفهوم سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری رسانه‌ای و پدیده‌های معاصر مرتبط با آن را به بحث می‌گذارد.

سیاست‌گذاری رسانه‌ای: الزامات عصر جدید

پیشرفت‌های فنی به وجود آمده در تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی باعث ایجاد امکان ارسال و دریافت پیام‌ها و محتواها از فواصل دور دست و کوچک‌تر و ساده‌تر شدن مداوم فناوری‌های دریافت و مصرف شده است. ترکیب شدن این ویژگی‌ها با تغییرات سیاستی (نظیر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی) در سطوح ملی و بین‌المللی یک نتیجه بسیار جدی برای سیاست رسانه‌ای دولت‌های ملی داشته است: امروزه حکومت‌ها در سیاست‌گذاری رسانه‌ای جایگاه انحصاری خود را از دست داده و ناگزیر به سیاست‌گذاری با توجه به نقش و

جایگاه بازیگران بی‌شمار داخلی و خارجی هستند.

سیاست رسانه‌ای و ارتباطاتی، بخشی از سیاست عمومی است که باید با نبایدها و نبایدها و نحوه تخصیص منابع در حوزه رسانه‌ها و ارتباطات (مالکیت، سازمان، قانون‌گذاری، محتوا، توزیع، دسترسی و مسائل مشابه) را هدایت می‌کند (چان، ۱۹۹۴، سیون و مک کوایل، ۱۹۸۶؛ پرستوآ، ۱۹۹۳). اما تکثر فناوری‌های رسانه‌ای (بخشی از منابع) و بین‌المللی شدن پخش محتواهای رسانه‌ای موجب ظهور گروه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع‌ترین، در درون و خارج از مرزهای ملی حاکمیت‌ها شده است. این بازیگران به گونه‌ای آشکار و نهان خواهان اثرگذاری در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی هستند و، در صورت نادیده گرفته شدن خواسته‌ها و منافعشان، امکان تمهید راه‌های جایگزین (خواه قانونی یا غیر آن) برای تضمین خواسته‌ها و منافع خویش را دارند.

به طور مشخص، خواسته‌های توده‌های وسیعی از مردم در خصوص محتواهای خبری و تفریحی رسانه‌های جمعی، از یک سو و منافع اقتصادی و سیاسی سازمان‌های رسانه‌ای مستقل یا وابسته به سایر حکومت‌ها، از سوی دیگر، می‌تواند تلاقی نموه و مانند یک قیچی، سیاست‌های صرفاً مبتنی بر محدودیت و ممنوعیت را غیر قابل اجرا سازد. در نتیجه، سیاست‌گذاری ملی رسانه‌ای، در مقایسه با دهه‌های گذشته، نیاز به توجه جدی‌تر به خواسته‌ها و رجحان‌های رسانه‌ای مردم و گروه‌های مختلف آن‌ها دارد و، از سوی دیگر، عرصه سیاست‌گذاری را باید به فعالیت‌های اقتصادی و حقوقی مرتبط در درون سازمان‌های جهانی^۱ توسعه دهد. تغییر نخست معمولاً با سیاست تکثر رسانه‌ای پیگیری می‌شود، در حالی که تغییر دوم مستلزم مشارکت فعالانه‌تر در عرصه سیاست‌گذاری بین‌المللی است.^۲ تغییر شایان توجه دیگری که در مفهوم سیاست رسانه‌ای و ارتباطی به وقوع پیوسته، ادغام عرصه‌ها و

۱- در خصوص سیاست‌ها و قوانین بین‌المللی ماهواره‌ای به ویژه سازمان‌های زیر نقش مهمی بر عهده دارند: اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU)، کمیته ماورای جو سازمان ملل (UNOSC)؛ سازمان جهانی حقوق معنوی (WIPO)؛ کنفرانس جهانی مدیریت رادیویی (WARC)؛ یونسکو؛ و سازمان ملل - اجلاس عمومی.

۲- براساس این ضرورت وزارت پست و تلگراف و تلفن و نیز سازمان صدا و سیما فعالیت‌های وسیعی در سازمان‌ها و کنفرانس‌های جهانی داشته‌اند. سازمان صدا و سیما از پاییز سال ۱۳۷۶ یک گروه مطالعات حقوقی را مسئول مطالعه حقوق بین‌الملل مربوط به پخش مستقیم ماهواره‌ای کرده است. تا به حال دو جلد گزارش از این گروه با عناوین «حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای» و «چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام ملی و بین‌المللی» توسط انتشارات سرزس، هر دو در سال ۱۳۸۰، منتشر شده است.

فناوری‌های سابقاً قابل تفکیک (ارتباطی و رسانه‌ای، اطلاعاتی، مخابراتی) در یکدیگر است. امروزه، مرز بین تکنولوژی‌های رسانه‌ای و ارتباطات راه دور در حال محو شدن است و در نتیجه سیاست‌گذاری باید جامع‌نگرانه و با در نظر گرفتن عناصر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در محیط فنی حاصل از ادغام و هم‌گرایی سیستم‌های تکنولوژیکی متعدد انجام گیرد (گولنبورگ و اسلا، ۱۹۹۳).

با توجه به تغییرات فوق، برخی از دانشمندان بر آن‌اند که در شرایط جاری سیاست عمومی و به ویژه سیاست ارتباطی و رسانه‌ای را باید تلاشی برای ایجاد تعادل معقول بین نیروهای تغییرگرا و نیروهای محافظت‌گرا تعریف کرد (مک کوایل، ۱۹۹۴؛ کالینز، ۱۹۹۴؛ پرستوا، ۱۹۹۳). این رویکرد، در درون پژوهش‌های آکادمیک در حوزه سیاست‌های ارتباطی و رسانه‌ای سؤال‌های بسیاری را مطرح کرده که پاسخ‌گویی به آن پیش‌نیاز اقدام عملی برای سیاست‌گذاری یا تغییر سیاست‌های جاری خواهد بود. نحوه عمل برای توسعه یا ممانعت از گسترش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، نقطه تعادل مطلوب بین بخش خصوصی و عمومی در مالکیت و اداره سازمان‌ها و محتوا، میزان توجه به تکثر رسانه‌ای و محتوایی یا شیوه مناسب برای تداوم الگوهای انحصارگرایی، میزان و شیوه مناسب برای قانون‌گذاری یا مقررات‌زدایی و امثال این‌ها از جمله پرسش‌های پایه‌ای حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای و ارتباطی است (چان، ۱۹۹۴؛ هامفریز، ۱۹۹۶).

این پرسش‌ها درون مباحث عمیق و گسترده‌تر نظری و عملی مطرح می‌شوند و پاسخ‌گویی به آن‌ها نیز باید با توجه به این مباحث ارائه شود. این مباحث را معمولاً در دو قطب متضاد زیر نمایش می‌دهند:

الف) این پرسش که تغییر فرهنگی و سیاسی از رسانه‌ها آغاز می‌شود یا از خود جامعه به دو دسته نظریه متفاوت رسانه - محور و جامعه - محور منجر می‌شود. نظریات رسانه - محور خود تکنولوژی یا حتی محتوای رسانه‌ها را عامل اصلی تغییر می‌دانند و حتی، در مواردی، تا آن جا پیش می‌روند که آزادی‌خواهی سیاسی، فردگرایی، ناسیونالیسم و افول ایدئولوژی را نتیجه و تابع ظهور و رواج رسانه‌های مدرن (نظیر مطبوعات و سپس رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتالی) معرفی می‌کنند. در سوی دیگر، نظریات جامعه - محور تکنولوژی‌ها و محتوای آن‌ها را برآیند تغییرات سیاسی و معرفتی جوامع و تنها عامل گسترش بیشتر تغییرات می‌دانند. به عبارت دیگر، نظریات رسانه - محور جامعه (افراد و نیز فرهنگ و سیاست) را مقهور قدرت

بلامنازع رسانه‌ها و نظریات جامعه - محور، رسانه‌ها را محصول و تابع فرهنگ و ساختارهای اقتصادی - سیاسی غالب یا در هر حال، موجود در جامعه بشری می‌دانند.

ب) پرسش دوم، که ماهیتی بیشتر ایدئولوژیک دارد، به رویکرد تکثرگرا یا سلطه‌گرا در مورد رسانه‌ها مربوط است. این تقابل ریشه در این اصل دارد که رسانه‌ها می‌توانند عاملی وحدت‌گرا یا تکثرگرا باشند و، از این رو، فلسفه اجتماعی مبتنی بر هژمونی و سلطه متمرکز، اشکال مختلف سیاست رسانه‌ای وحدت‌گرایانه و فلسفه اجتماعی مبتنی بر فردگرایی و تکثرگرایی فرهنگی و ساختاری، الگوهای گوناگون سیاست ارتباطی تکثرگرا را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهند. افزون بر دو قطب متضاد فوق (رسانه - محور در برابر جامعه - محور و تکثرگرا در برابر سلطه‌گرا) از تقابل‌های دیگری نیز یاد می‌شود. به عنوان مثال، برخی به تضاد رویکرد مبتنی بر مرکزگرایی در برابر مرکزگریزی و نیز رویکرد مبتنی بر فرهنگ‌گرایی در مقابل علمی اشاره کرده‌اند (برای بحث مفصل در خصوص دو قطب متضاد فوق، نک: مک‌کوایل، ۱۹۹۴).

همان‌گونه که از تقابل‌های نظری و سیاستی فوق بر می‌آید، اصول راهنمای سیاست‌گذاری از مبانی فلسفی، علمی و نیز ایدئولوژیک و هنجاری اخذ می‌شوند و، از این رو، در زمان و مکان‌های متفاوت سیاست‌های مختلفی در قبال یک پدیده اتخاذ می‌شوند. این ویژگی باعث می‌شود تا برخی از محققان، سیاست‌های رسانه‌ای و ارتباطی را آئینه روند تغییرات فنی و یا تحولات در نوع رویکرد و رجحان سیاست‌گذاران تلقی کنند. مباحث مطرح شده به هیچ وجه به این معنا نیست که در شرایط نوین رسانه‌ای رجحان‌ها، ارزش‌ها یا هنجارهای مورد تأکید سیاست‌گذاران به دلیل تغییر شرایط فنی و جهانی در سیاست‌گذاری‌ها دخالت داده نشوند. قطعاً ارزش‌های ناظر بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد و نیز حاکی از عدالت و برابری، آزادی، حاکمیت ملی و نظایر آن‌ها جزء پایه‌های تشکیل‌دهنده حیات جمعی و در نتیجه، از مبانی مشروعیت ساختارهای قدرت و سیاست‌گذاران و نمی‌توان و نباید آن‌ها را نادیده گرفت. بلکه، این مباحث مؤید این است که سیاست‌گذاری رسانه‌ای و ارتباطی باید بر پایه شناخت واقعیت پیچیده شرایط فنی ICTs و جهان معاصر و ترکیب منطقی از مجموعه شناخت‌های علمی (در خصوص نقش اثرگذار رسانه‌های جمعی در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) و رجحان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای تعریف شده و دارای نقش و اولویت مشخص انجام گیرد. کم‌ترین خسران ناشی از بی‌توجهی به اصل فوق آن خواهد بود که سیاستی یک بعدی، تک

رویکردی و کوتاه برد اتخاذ شود و، در نتیجه، بسیاری از حوزه‌های نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نادیده گرفته شود و پس از مدتی کوتاه هیچ‌گونه وفاق وحدت آفرین بین سطوح مختلف سیاست‌گذاری یا حتی مردم تابع سیاست‌ها قابل تشخیص نباشد. اجازه دهید، پس از این بحث مختصر در خصوص سیاست‌گذاری رسانه‌ای نگاهی کوتاه به تاریخچه پدیده ماهواره پخش مستقیم و تغییرات سیاسی در سایر کشورها در برابر آن داشته باشیم.

دریافت برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره (DBS) در کشورهای آسیایی

ماهواره تاریخی نسبتاً طولانی دارد و می‌توان آن را به دهه ۱۹۴۰ نسبت داد. مهاجرت دانشمندان آلمان هیتلری به امریکا و شوروی سابق به انتقال سریع تجارب تحقیقاتی و رشد صنایع ماهواره‌ای این دو کشور رقیب منجر شد. این دو کشور، با هدف بهره‌برداری نظامی، به رقابت با یکدیگر پرداختند و به تدریج ماهواره‌های مخصوص هواشناسی، مطالعه جو و سطح زمین و دریاها، ناوبری هوایی و دریایی و نظایر آن‌ها را در مدار زمین قرار دادند. نخستین ایده مربوط به استفاده از ماهواره‌های مخابراتی در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی ابراز شد و از اوایل دهه ۱۹۶۰ به تدریج ماهواره‌های مخابراتی نیز در مدار زمین قرار گرفتند (اسلک، ۲۰۰۱). در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، عمده‌ترین کاربرد ماهواره‌های مخابراتی انتقال مکالمات تلفنی و تصاویر تلویزیونی از یک ایستگاه زمینی به ایستگاه زمینی دیگر بود. نکته مهم در این دهه‌ها آن بود که تقریباً تمام فعالیت‌های مخابراتی و تلویزیونی ماهواره‌ای توسط وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی صورت می‌پذیرفت و در نتیجه اعمال حاکمیت و کنترل ملی بر محتوا با کنترل ایستگاه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ای محقق می‌شد.

در طول این دوران، تولید و ارسال ماهواره‌ها به مدار زمین صنعتی پرهزینه اما سودآور بود و در نتیجه رقابت شدید بین کشورها و صنایع بزرگ جهانی و نیز رقابت با تکنولوژی‌های توزیعی دیگر (به ویژه کابل نوری) باعث رشد سریع تکنولوژی ماهواره‌ای شد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، ظرفیت انتقال محتوا و قدرت پخش ماهواره‌های مخابراتی افزایش یافت و از گستره فرکانس وسیع‌تری (که قبلاً بدون استفاده بود) بهره‌گیری شد (اسلک، ۲۰۰۱؛ جانسون - فریز، ۲۰۰۱). هم‌چنین، تلاش برای افزایش کارایی ماهواره‌ها باعث توجه جدی سرمایه‌گذاران به قابلیت‌های حاصل از قرارداد ماهواره‌ها در مدارهای پایین‌تر شد و در نتیجه چندین برنامه

۱- این ماهواره‌های نقطه به نقطه را Fixed Spot-to-Spot یا FSS می‌نامیدند.

وسیع جهانی برای استفاده از ماهواره‌های پایین مدار^۱ و میانه مدار^۲ در سال‌های اخیر راه‌اندازی گردیده یا در سال‌های آتی به بهره‌برداری خواهد رسید.

نخستین ماهوارهٔ مخابراتی مستقر در مدار هم‌زمان زمین^۳ ماهوارهٔ Anik A-1 بود که توسط اتحادیهٔ رادیو - تلویزیون کانادا (CBC) در سال ۱۹۷۲ در مدار زمین قرار گرفت و برای اتصال ایستگاه‌های FSS (و نه پخش مستقیم به گیرندگان) مورد استفاده بود. اولین ماهوارهٔ پخش مستقیم به گیرندگان در سال ۱۹۷۶ به نام هرمس (Hermes) در همین کشور به کار گرفته شد (کالینز، ۱۹۹۰). نخستین ماهواره پخش مستقیم تلویزیونی^۴ (DBS) آسیا با نام Yuri-2A در سال ۱۹۸۴ در کشور ژاپن به فضا پرتاب شد که نفوذ امواج آن به جزایر کشورهای همسایه مناقشه‌های سیاسی و حقوقی محدودی را به دنبال داشت. اما پخش مستقیم ماهواره‌ای با پرتاب ماهوارهٔ ASTRA در دسامبر ۱۹۸۸ و آغاز فعالیت آن در فوریه ۱۹۸۹ به یک مسئلهٔ مهم جهانی تبدیل شد. در قارهٔ آسیا، ابعاد حقوقی و سیاسی پخش مستقیم تلویزیونی با پرتاب ماهواره Asia Sat1 در آوریل ۱۹۹۰ و شروع پخش مستقیم تلویزیونی توسط شرکت هنگ کنگی STAR TV از طریق آن ماهواره در اکتبر ۱۹۹۱ به طور جدی طرح شد (چان، ۱۹۹۴). دریافت کانال‌های تلویزیونی این ماهواره در مناطق حاشیه‌ای (مثلاً در ایران) تنها با بشقاب‌های به قطر سه متر عملی بود اما، با تقویت امواج، در سال ۱۹۹۳ بشقاب‌های به قطر ۱/۸ متر تصویر واضحی را دریافت می‌کردند. پخش فراملی برنامه‌های ماهواره‌های تلویزیونی در بیشتر کشورها مورد توجه مخاطبانی قرار می‌گرفت که برای سال‌های متمادی تنها به شبکه‌های عمومی عاری هر نوآوری یا به شبکه‌های تجاری تحت کنترل دولت دسترسی داشتند (توماس، ۱۹۹۹). افزایش قدرت پخش ماهواره‌ها به کاهش فزایندهٔ اندازه و قطر بشقاب‌ها منجر شد و هم‌زمان نیز قیمت دستگاه‌های گیرنده (به دلیل تولید انبوه) کاهش یافت. نتیجه این تغییرات بالا رفتن مطلوبیت ماهواره برای مصرف‌کنندگان در همهٔ دنیا و از جمله ایران بود.

در هر حال، امروزه فشار ناشی از تقاضا برای خدمات متنوع و کیفی‌تر ماهواره‌ای (نظیر ارائه اینترنت با کیفیت باند وسیع، ارتباطات صوتی و تصویری بین فردی و پخش رادیو - تلویزیونی) و گسترش روزافزون بازار و در نتیجه سودآوری قابل توجه، صنایع

1- Low Earth Orbit (LEO)

2- Medium Earth Orbit (MEO)

3- Geo- Stationary Earth Orbit (GEO)

4- Direct Broadcasting Satellite

ماهواره‌ای را به سرمایه‌گذاری و توجه جدی در امر تحقیق و توسعه رهنمون شده است. در نتیجه، علی‌رغم شکست برخی از برنامه‌های ماهواره‌ای در واپسین سال‌های قرن بیستم، بسیاری از متخصصان و دانشمندان بر این باوراند که ماهواره‌های ارتباطی و مخابراتی در آینده شاهد نوآوری‌های جدیدتر خواهند بود و، از این رو، نقش و حضور گسترده‌تری در عرصه ارتباطات فردی و جمعی جهانی خواهند داشت (نیکلسون، ۲۰۰۱). سرعت رشد فناوری ماهواره‌ای به حدی است که سیاست‌گذاری ملی و بین‌المللی، بر پایه نظر برخی از متخصصان، مانع اصلی به کارگیری قابلیت‌های فنی فعلی است. به عبارت دیگر، حتی در حال حاضر، امکانات فنی ماهواره‌ها بسیار بیشتر از میزان کاربردهای کنونی آن است و علت اصلی توقف نسبی برنامه‌های جدید را باید در ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های ناشی از سیاست‌های ملی و بین‌المللی جست‌وجو کرد تا در امکانات فنی و سرمایه در دسترس (جانسون - فریزر، ۲۰۰۱؛ اسلک، ۲۰۰۱).

سیاست‌های ملی: مقابله، بهره‌وری

پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها در طول ده سال گذشته مسئله‌ای جهانی شده و مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته است. در این میان، کشورهای دارای حساسیت‌ها و ملاحظات فرهنگی و سیاسی (به ویژه از منظر ارزش‌های سنتی، ملی و یا مذهبی) توجه بیش‌تری به آن مبذول داشته‌اند. پیامدهای فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی طیف وسیعی از سیاست‌ها را در کشورهای آسیایی (به ویژه کشورهای اسلامی) به وجود آورد (چان، ۱۹۹۴، کاتی گسو، ۱۹۹۴). این سیاست‌ها از پذیرش مطلق تا طرد کامل را شامل می‌شدند. یک تحقیق در سال ۱۳۷۳، کشورهای آسیایی را براساس سیاست‌های ماهواره‌ای آن‌ها به شش گروه تقسیم کرد:

- ۱- کشورهایایی که ماهواره را مجاز دانسته و حتی تسهیلاتی را برای مردم فراهم کردند؛ مانند سنگاپور، هنگ‌کنگ، اسرائیل و کویت؛
- ۲- کشورهایایی که مانع حقوقی به وجود نیاوردند اما، هم‌زمان با وضع مالیات و عوارض برای نصب بشقاب‌های ماهواره‌ای، به اقدام‌های رقابتی نیز دست زدند، مانند پاکستان؛
- ۳- کشورهایایی که مجاز دانستند اما به جست‌وجو و اعمال برنامه‌های رقابتی دست زدند، مانند هند، اندونزی، کره جنوبی و سریلانکا؛

- ۴- کشورهایی که ممنوعیت‌های قانونی ایجاد کردند اما به راه‌حل‌های رقابتی نیز دست زدند؛ مانند عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و مالزی؛
- ۵- کشورهایی که با پشتوانه امکانات غنی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود ممنوعیت‌های قانونی ایجاد کردند؛ مانند ژاپن؛
- ۶- کشورهایی که تا زمان تحقیق هنوز تصمیم رسمی و قانونی مشخصی را اعلام نکرده بودند و در نتیجه اقدام اساسی برای رقابت نیز نداشتند (محسنیان‌راد، ۱۳۷۳).
- پژوهشگر دیگری، کشورهای آسیایی را در چهار گروه مختلف طبقه‌بندی کرد:
- ۱- کشورهایی که سیاست ممنوعیت مطلق را اتخاذ کرده بودند؛ مانند سنگاپور و مالزی؛
 - ۲- کشورهایی که سیاست آزادی‌سازی قانونی داشتند؛ مانند هنگ‌کنگ و فیلیپین؛
 - ۳- کشورهای دارای سیاست آزادسازی غیرقانونی؛ مانند تایوان و هند؛
 - ۴- کشورهای دارای سیاست آزادسازی محدودیت‌گرا؛ مانند چین (چان، ۱۹۹۴).
- توماس (۱۹۹۹)، ضمن گسترش دادن طبقه‌بندی چان (۱۹۹۴)، سیاست‌های کشورهای شمال شرقی آسیا در طول دهه ۱۹۹۰ را به شش گروه تفکیک می‌کند:
- ۱- سرکوب فعالانه با استفاده گسترده از ابزار شدید قانونی برای ایجاد محدودیت بر مالکیت دستگاه‌های گیرنده و بشقاب و جلوگیری از رواج شبکه‌های کابلی؛
 - ۲- سرکوب پنهانی با تهیه قوانین شدید قانونی اما اجرای مقطعی یا عدم اجرای قوانین فوق؛
 - ۳- بی‌تحركی خودفریبانه ناشی از فقدان قوانین مورد نیاز به دلیل غفلت یا بی‌اعتنایی حکومت؛
 - ۴- بی‌تحركی مدبرانه در طول مدت لازم برای بررسی دقیق وضعیت و اتخاذ سیاست‌ها و وضع قوانین مورد نیاز؛
 - ۵- دسترشی کنترل شده از طریق تجویز دسترسی به برخی کانال‌های ماهواره‌ای تحت کنترل قوانین وضع شده توسط دولت یا خود شرکت‌های خصوصی؛
 - ۶- دسترسی آزادانه در شرایط حاصل از فقدان هرگونه قانون محدودکننده.
- این نکته حائز توجه است که طبقه‌بندی سیاست‌ها و کشورها در منابع متعدد با توجه به محورها و شاخص‌های مختلف صورت گرفته و، از این رو، یک کشور توسط محققان در طبقات بسیار متفاوتی قرار گرفته است. این تفاوت‌ها به یک واقعیت بسیار مهم نیز اشاره

دارند. سیاست ماهواره‌ای بیشتر کشورهای آسیایی در یک دوره بسیار کوتاه بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) دست‌خوش تغییرات بسیاری شده و معمولاً حاکی از حرکت سیاستی از دو سوی افراطی طیف پذیرش مطلق - طرد کامل به سوی نقاط بینابینی بوده است. در طول این سال‌ها، بسیاری از کشورهای که ماهواره را ممنوع دانسته بودند به جست‌وجوی راه‌های مناسب برای ارائه برنامه‌های جذاب تلویزیونی (داخلی یا خارجی) به شهروندان خود - از طریق راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی زمینی یا ماهواره‌ای - پرداختند. کشورهایی نیز که ماهواره را (به طور مطلق یا با وضع مالیات و عوارض) آزاد دانسته بودند، به تدریج وارد رقابت شده و با هدف اقتصادی یا فرهنگی و سیاسی به جذب وقت شهروندان خویش و در نتیجه دور کردن آن‌ها از کانال‌ها و شرکت‌های رقیب دست زدند. همان‌گونه که بررسی توماس (۱۹۹۰) در مورد سیاست‌های ماهواره‌ای پنج کشور شمال شرقی آسیا نشان می‌دهد، ژاپن، تایوان و هنگ‌کنگ توانستند، پس از صرف یک دوره دو تا سه ساله برای مطالعه و بررسی وضعیت، با وضع مجموعه‌ای از قوانین سیاست مستمر و پایداری را برای بهره‌وری از ماهواره ایجاد نمایند. در صورتی که دو کشور کره جنوبی و چین پس از چند سال پیروی از سیاست‌های به ترتیب باز و سرکوبگرانه خود در نهایت در اواسط دهه ۱۹۹۰ به سیاست حد وسطی سرکوب پنهانی روی آوردند. به عبارت دیگر، سیاست ماهواره‌ای مبتنی بر «آزادی قانونی» یا «ممنوعیت قانونی» در اغلب کشورهای پیش‌رفته و در حال توسعه (و در سطح آسیا و حتی کشورهای اسلامی) به عنوان یک سیاست کامل و مطلق نگریده شده و تلاش برای جذب وقت و توجه مردم کشور به شیوه‌های مختلف در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه بوده است.

امروزه، بسیاری از کشورها (نظیر ترکیه، اندونزی، مالزی، پاکستان، هند، سریلانکا، ژاپن، چین و اغلب کشورهای عرب زبان) با بهره‌گیری از سیستم‌های مختلف (برحسب منبع تأمین محتوا، میزان اعمال تغییر در محتوا، مالکیت و مدیریت سازمان‌های مربوطه، پخش زمینی یا ماهواره‌ای و...) از کانال‌های ماهواره‌ای موجود برای تأمین خواسته‌ها و نیازهای مخاطبان داخلی خود بهره می‌گیرند. برخی از کشورها نیز هدف فوق را با اجرای برنامه‌های مشترک پیگیری می‌کنند. مثلاً در کشورهای عرب زبان چند شرکت بین‌الدولی یا خصوصی (نظیر عرب‌ست، شبکه الجزیره، MBC، ANN و...) وظیفه تهیه برنامه‌ها از منابع داخلی یا جهانی را برای پخش ماهواره‌ای به کشورهای تحت پوشش خود، به عهده گرفته‌اند. با این توضیح کلی،

بهرتر است به بررسی وضعیت بهره‌وری از تکنولوژی ماهواره‌ای در چند کشور آسیایی پردازیم و سپس درس‌های احتمالی حاصل از تجارب این کشورها را برای ایران به بحث بگذاریم. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، اغلب کشورها از اواسط دهه ۱۳۷۰ برنامه‌هایی را برای بهره‌وری ملی از کاربرد ماهواره برای پخش مستقیم تلویزیونی به اجرا گذاشته‌اند. خواه این کشورها دریافت سایر کانال‌ها را ممنوع کرده یا به انتخاب شهروندان واگذار کرده باشند. اما بهتر است در اینجا انواع بهره‌وری از ماهواره را مشخص کنیم. با توجه به هدف مقاله حاضر، می‌توان سه نوع بهره‌وری ملی از ماهواره را نشان داد: الف) استفاده از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه‌های کانال‌های تلویزیونی ملی به درون کشور؛ ب) استفاده از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه‌های کانال‌های تلویزیونی ملی یا کانال‌های جدیدالتأسیس برای پخش به سایر کشورها، و سرانجام نوع سوم که در ادامه این نوشتار به عنوان بهره‌وری ملی مطرح می‌شود؛ ج) استفاده از برنامه‌های کانال‌های ماهواره‌ای خارجی (ملی یا خصوصی؛ متعلق به کشور خاص یا جهانی) برای بالا بردن حجم، تنوع و کیفیت کانال‌های در دسترس مردم کشور.

سیاست اول معمولاً برای فایق آمدن بر موانع طبیعی، گسترش پوشش شبکه‌های تلویزیونی ملی به نقاط دور دست و کم جمعیت، یا بالا بردن کیفیت دریافت برنامه‌ها صورت می‌گیرد و مورد توجه بسیاری از کشورها (به ویژه هند، کانادا و استرالیا) بوده است. پخش ماهواره‌ای تلویزیونی برای سایر کشورها نیز غالباً به منظور حضور جهانی فرهنگ کشور مبدأ، اطلاع‌رسانی جهانی و تأثیر بر افکار عمومی کشورهای مقصد یا به ویژه با هدف ارائه برنامه‌های تلویزیونی به جمعیت‌های مهاجر به کشورهای دیگر انجام می‌گیرد. پخش ماهواره‌ای شبکه خبر، شبکه‌های جام‌جم و شبکه‌های سحر ایران برای خاورمیانه، اروپا و آمریکا را می‌توان در این طبقه جای داد. امروزه تعداد بسیار زیادی از کانال‌های در دسترس را همین نوع کانال‌های تلویزیونی تشکیل می‌دهند. بدیهی است دو نوع بهره‌وری فوق، نمی‌تواند تأثیر چندانی بر میزان گرایش مردم به کانال‌های ماهواره‌ای خارجی و رواج غیرقانونی و کنترل نشده دستگاه‌های گیرنده داشته باشد.

هدف از بهره‌وری نوع سوم از ماهواره را می‌توان جبران نقصان‌های کمی و کیفی تولیدات و محتوای کانال‌های تلویزیونی مرسوم و جلب توجه مخاطبان به کانال‌های کنترل شده دانست که خود برای جلوگیری از گرایش مردم به خرید و نصب تجهیزات دریافت ماهواره‌ای و در نتیجه، قرار گرفتن آنها در معرض پیام‌های زیانبار فرهنگی و سیاسی کانال‌های نامطلوب

صورت می‌گیرد. تنها با نیل به این هدف است که می‌توان به اجرایی شدن سیاست ممنوعیت تجهیزات و کانال‌های کنترل نشده امیدوار بود یا حتی در صورت آزادی مردم در بهره‌وری از تجهیزات دریافت ماهواره‌ای، تا اندازه زیادی، اطمینان داشت که دست کم اکثریت مردم به کانال‌های تلویزیونی و فرهنگ ملی خویش وفادار مانده و جذب پخش کننده‌های خارجی نخواهند شد.

مطالعه موردی سیزده کشور آسیایی

در این بخش وضعیت بهره‌وری از ماهواره در سیزده کشور آسیایی و مدل‌های خاص هر یک تشریح می‌شود. گفتنی است که محدودیت اطلاعات و منابع، امکان تشریح و تحلیل دقیق‌تر این مدل‌ها را فراهم نمی‌کند.^۱

در کشورهای اندونزی چند شرکت خصوصی تلویزیونی برنامه‌های خود را به صورت ملی یا محلی به مشترکین و دریافت‌کنندگان خود ارائه می‌کنند. برخی از این شبکه‌ها از سیستم پخش کابلی استفاده می‌کنند و خدمات اینترنتی را نیز در دسترس مشترکان خود قرار می‌دهند. در این کشور استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای کاملاً آزاد است و هیچ‌گونه محدودیت قانونی وجود ندارد، به طوری که حتی برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، مانند شبکه استار که در هنگ‌کنگ مستقر است، برای این کشور برنامه ویژه پخش می‌کنند. در حال حاضر وضعیت کلی رسانه‌های جمعی در اندونزی مورد رضایت دولت و احزاب نیست و اقدامات قانونی برای اجرای برنامه‌های اصلاحی در حال پیگیری می‌باشد (هم‌چنین، ن.ک.: توماس، ۱۹۹۸).

در پاکستان کانال NTM با عقد قراردادی با تلویزیون این کشور (در سال ۱۹۹۴) به مدت ده سال یک کانال ۲۴ ساعته را راه‌اندازی کرده و برنامه‌های کانال‌های CNN و BBC را پس از حذف صحنه‌های نامناسب پخش می‌کند. شبکه ETV نیز روزانه ۶ ساعت برنامه پخش می‌کند. این شبکه صددرصد خصوصی و متعلق به اتباع پاکستانی است که با سرمایه‌ای حدود ۶/۵ میلیون دلار راه‌اندازی شده و برنامه‌هایش را از سنگاپور به طور هم‌زمان در ماهواره‌های

۱- در این بخش از منابع متعددی استفاده شده و از این رو، برای هر مورد منابع متعدد آن ارائه نشده است. در بررسی کشورهای مالزی، اندونزی، تایلند و سنگاپور با استفاده از اطلاعات گزارش‌های سفر هیأت فرهنگی مجلس شورای اسلامی به کشورهای فوق (۱۳۸۱/۲/۲۱ الی ۱۳۸۱/۳/۳) استفاده شده است. هم‌چنین، برای گزارش وضعیت کشورهای واقع در جنوب و شمال شرقی آسیا از توماس (۱۹۹۸ و ۱۹۹۹)؛ کیت و ایما (۲۰۰۱)؛ پاشوپاتی و دیگران (۲۰۰۳)؛ و ملکوت و دیگران (۱۹۹۸) استفاده شده است.

آسیاست و استارپلاس ارائه می‌کند. هرچند در پاکستان محدودیتی برای خرید و نصب دستگاه‌های ماهواره‌ای وجود ندارد و برنامه‌های این شبکه‌ها تحت سانسور و کنترل قرار دارد، راه‌اندازی شبکه‌های فوق و به ویژه NTM گرایش به خرید گیرنده‌های ماهواره‌ای را به شدت کاهش داده است (هم‌چنین ن. ک.: ژیلسپی و چیزمن، ۲۰۰۲: باراکلاف، ۲۰۰۱).

در تایلند، حدود ده کانال تلویزیونی داخلی وجود دارد که حجم زیادی از برنامه‌های خود را به برنامه‌های خارجی اختصاص می‌دهند و آن را به صورت دوبله (و همراه با زبان اصلی از طریق موج اف.ام. رادیویی یا دو زبانه تلویزیونی) پخش می‌کنند. افزون بر این، شرکت UBC به صورت یک شرکت سهامی متولی تلویزیون کابلی و ماهواره‌ای است که ده‌ها کانال بین‌المللی (فیلم، ورزشی، سرگرمی و خبری) را با استفاده از سیستم توزیع کابلی و ماهواره‌ای پخش می‌کند. سیستم کابلی در بانکوک و برخی از شهرها و سیستم ماهواره‌ای در سراسر کشور در دسترس قرار دارد. ۸۶ شرکت مجاز نیز به صورت محدود و محلی خدمات تلویزیونی کابلی را ارائه می‌کنند. متوسط مشترکان هر یک از این شرکت‌ها ۱۵۰۰ مشترک تخمین زده می‌شود. در تمام کانال‌های تلویزیونی شرکت UBC آگهی‌های تجاری و مطالب غیراخلاقی یا مغایر با موازین امنیت ملی و نظم اجتماعی سانسور می‌شود.

در تایوان کیفیت نامطلوب سه شبکه تلویزیونی دولتی باعث گسترش علاقه مردم به دریافت کانال‌های ماهواره‌ای به طور مستقیم یا از طریق شبکه‌های کابلی گردیده بود. در نتیجه در اوایل دهه ۱۹۹۰ بیش از ۳/۵ میلیون خانوار جزو بینندگان ماهواره استارتی وی بودند و در عین حال بیش از ۳۰۰ شرکت تلویزیون کابلی به عرضه غیرقانونی بیش از ۱۰۰ کانال می‌پرداختند. این کشور با وضع قوانینی در سال ۱۹۹۳ شرکت‌های تلویزیون کابلی را قانونی نموده اما مالکیت خارجی شرکت‌ها و پخش کمتر از ۲۰ درصد تولیدات داخلی را ممنوع ساخت. سیاست فوق توفیق زیادی داشت به طوری که در سال ۱۹۹۸ بیش از ۸۰ درصد خانوارهای کشور مشترک خدمات کابلی بودند.

در ترکیه، با وجود صدها شبکه تلویزیونی سراسری و منطقه‌ای (دولتی و خصوصی)، حدود ده کانال تلویزیونی خارجی (نظیر سی.ان.ان، یورونیوز، آر.تی.ال. و بی.بی.سی.) از طریق ایستگاه‌های رله زمینی برای ساکنان مناطق مختلف (به ویژه شهرهای بزرگ استانبول و آنکارا) یا مشترکان شبکه‌های کابلی پخش می‌شود. در این کشور محدودیتی برای استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره‌ای وجود ندارد.

چین از جمله کشورهایی است که پس از سال‌ها بی‌توجهی به دریافت ماهواره‌ای سرانجام در ۱۹۹۴ قوانینی را برای محدود ساختن دسترسی مردم به تجهیزات دریافت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای وضع نمود و تنها مراکز آموزشی، رسانه‌ها و هتل‌ها را مستثنی کرد. با این حال، با توجه به گستردگی جغرافیایی و کثرت جمعیت، اقدام به راه‌اندازی سیستم‌های ماهواره‌ای برای پخش مستقیم کانال‌های خود کرده است. در این کشور، از بشقاب و گیرنده‌های خاص برای دریافت کانال‌های ملی استفاده می‌شود و سایر انواع دستگاه‌ها ممنوع است. شرکت‌های بزرگ دولتی و حکومت‌های شهری و استانی نیز شبکه‌های کابلی متعددی را برای خانواده‌های خود یا شهروندان راه‌اندازی کرده‌اند. در سال ۱۹۹۸ حدود ۱۲۰۰ شبکه کابلی با بیش از ۷۰ میلیون مشترک در چین وجود داشته است. (هم‌چنین ن.ک.: پاشوپاتی و دیگران، ۲۰۰۳).

ژاپن از ابتدای رواج پخش ماهواره‌ای سیاست نسبتاً آزادانه‌ای را در پیش گرفته بود. در اوایل دهه ۱۹۹۰ بیش از ۸۰ شبکه ماهواره‌ای بین‌المللی یا متعلق به کشورهای دیگر (مانند روسیه، چین، استرالیا، اندونزی و آمریکا) در دسترس مردم قرار داشت. مالکیت تجهیزات دریافت و استفاده از این شبکه‌ها محدودیت نداشت اما پخش مجدد آن‌ها از طریق خدمات کابلی غیرقانونی بود. البته این نکته شایان ذکر است که شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی به دلیل تفاوت زبانی و نیز کمیت و کیفیت مطلوب خدمات تلویزیونی داخلی جذابیت زیادی برای مردم ژاپن نداشته‌اند. ساکنان شهرهای بزرگ به حداقل ۷ کانال تلویزیونی محلی و چند شرکت کابلی (۳۲ مورد در توکیو) دسترسی دارند.

در سریلانکا یک شرکت خصوصی برنامه‌های شبکه‌های وابسته به بی.بی.سی. (به ویژه برنامه‌های خبری و ورزشی) را به صورت ۲۴ ساعته رله و پخش می‌کند و در حال حاضر حدود ۸۰ درصد کل کشور را تحت پوشش قرار داده است. هم‌چنین سریلانکا تحت پوشش دو شبکه ETV-1 و ETV-2 قرار دارد که اولی به اخبار و گزارش‌های خبری و دومی به برنامه‌های ورزشی و نیز فیلم‌ها و سریال‌های امریکایی اختصاص دارد. در این شبکه‌ها هیچ‌گونه سانسوری اعمال نمی‌شود، اما خود شبکه‌ها فرهنگ مخاطبان را مورد توجه قرار می‌دهند.

کشور سنگاپور، با وجود قرار داشتن در چهار راه تجاری و ارتباطاتی جنوب شرقی آسیا، قوانین ویژه‌ای برای محدود کردن اطلاعات و فعالیت رسانه‌ها دارد. در این کشور، نصب تجهیزات ماهواره‌ای توسط افراد و حتی ادارات (غیر از شرکت‌ها، سفارتخانه‌های خارجی،

سازمان‌های رسانه‌ای وزارتخانه‌های دولتی) ممنوع است، اما تلویزیون کابلی رواج بسیاری دارد و حداقل ۱۸ شرکت به توزیع کابلی ده‌ها کانال تلویزیونی به مشترکان خود می‌پردازند. محتوای این کانال‌ها با توجه به ارزش‌های فرهنگی جامعه سنگاپور کنترل می‌شود و محدودیت‌های خاص در خصوص اهانت، به مذاهب و ملت‌ها و پخش صحنه‌های سکس، خشونت و مواد مخدر اعمال می‌شود.

قطر در سال ۱۹۹۳ به سازمان ارتباطات راه‌دور خود اجازه داد تا یک شرکت تلویزیونی کابلی بی‌سیم (QVC) را راه‌اندازی کند. این شرکت که امتیاز انحصاری خدمات تلویزیون کابلی تا سال ۲۰۱۳ را در اختیار دارد، در حال حاضر ده کانال تلویزیونی ملی و خارجی (عربی، امریکایی، اروپایی و آسیایی) را در اختیار مشترکان خود قرار می‌دهد. برخی از این کانال‌ها عبارت‌اند از: دیسکاوری، بی.بی.سی.سی. و ورلد، سی.ان.ان، DTV، PTV2، ESC، MBC. قطر اخیراً ممنوعیت خرید و نصب تجهیزات دریافت ماهواره‌ای توسط شهروندان خود را لغو نموده و این اقدام از تعداد مشترکان و درآمد QVC کاسته است.

کره جنوبی، که در چند سال اول سیاست روشنی برای هدایت یا محدود کردن بهره‌وری ماهواره‌ای نداشت، در سال ۱۹۹۳ اقدام به آزادسازی صنعت تلویزیون خود نمود و به شرکت‌های خدمات کابلی اجازه داد تا به پخش مجدد برنامه‌های ماهواره‌ای (به ویژه فیلم‌های داخلی و خارجی و برنامه‌های ورزشی و نظایر آن‌ها) بپردازند. در این زمان تنها ۲ درصد از کل خانوارهای کره‌ای دستگاه گیرنده ماهواره داشتند و اغلب آن‌ها نیز به تماشای شبکه‌های ژاپنی می‌پرداختند، با این حال، دولت کره جنوبی در سال ۱۹۹۵، با هدف برگرداندن توجه مردم از تلویزیون‌های خارجی به شبکه‌های داخلی، پخش مجدد برنامه‌های ماهواره‌ای توسط کانال‌های کابلی را ممنوع ساخت اما هم‌چنان دسترسی مستقیم مردم به تجهیزات و شبکه‌های ماهواره‌ای را مجاز دانست.

مالزی با راه‌اندازی شرکت ماهواره‌ای آسترو (ASTRO) در سال ۱۹۹۵ یکی از پیش‌رفته‌ترین سیستم‌های ماهواره‌ای ملی در قاره آسیا را به وجود آورده است. این شرکت با بودجه حدود ۷۰۰ میلیون دلار توسط دولت تأسیس شده و اداره می‌شود. در حال حاضر، شبکه ماهواره‌ای آسترو ۳۸ کانال تلویزیونی و ۱۶ کانال رادیویی را از طریق ماهواره‌های خود برای کل کشور و کشورهای منطقه (مانند اندونزی، سنگاپور و تایلند) پخش می‌کند. استفاده از سیستم دیجیتالی و استفاده از ماهواره‌های با قدرت پخش زیاد موجب شده تا دریافت این

کانال‌ها با استفاده از بشقاب کوچک ۶۰ سانتیمتری عملی شود. هم‌چنین، برای حفظ منافع مالی، گیرنده‌های خاصی طراحی شده است. این شرکت در حال حاضر ۸۰۰/۰۰۰ مشترک داخلی (و نیز ۱۰/۰۰۰ مشترک در کشور بروئی) دارد و برنامه‌ها را از تعداد بسیار زیادی از شبکه‌های جهانی تهیه نموده و پس از نظارت و کنترل دقیق و مستمر پخش می‌کند. در این کانال‌ها آگهی‌های تبلیغاتی خارجی، صحنه‌های خشونت‌بار و مستهجن، تبلیغ مسیحیت و موارد مشابه دیگر ممنوع است. برای کنترل محتوایی برنامه‌ها از سه روش متفاوت استفاده می‌شود: در مواردی برنامه از ماه‌ها قبل مورد بازبینی قرار گرفته و به شرکت اصلی اجازه پخش داده می‌شود. برخی از کانال‌های خبری، ورزشی و سرگرمی (به ویژه کانال کارتون برای کودکان) به صورت تأخیری و با سانسور هم‌زمان و برخی از کانال‌ها نیز با تأخیر نیم ساعته تا یک ساعته پخش می‌شود. در مواردی این تأخیر می‌تواند تا چند ساعت انجام گیرد (مانند روش پخش شبکه الجزیره). در هر حال، هر برنامه که نیازمند سانسور بیش از ۵ دقیقه باشد به طور کامل حذف و برنامه دیگری جایگزین آن می‌شود. در کشور مالزی تجهیزات ماهواره‌ای خارج از شبکه متعلق به شرکت آسترو ممنوع بوده و طبق قانون، متخلفان به جریمه نقدی تا ۲۵/۰۰۰ دلار محکوم می‌شوند.

هنگ‌کنگ را باید محل اصلی ظهور پخش مستقیم تلویزیون ماهواره‌ای در آسیا نامید چرا که شرکت استار تی‌وی در سال ۱۹۹۰ توانست موافقت دولت را برای راه‌اندازی خدمات خود به مدت ۱۲ سال به دست آورد. با این حال، شرکت مزبور از ارائه برنامه‌ها به زبان چینی کانتونی (گویش اکثریت مردم کشور) نداشت و در نتیجه تا سال ۱۹۹۳ تنها موفق به ۵ درصد نفوذ در خانه‌های هنگ‌کنگ شده بود. البته در سال‌های بعد شرکت‌های دیگری به راه‌اندازی شبکه‌های کابلی برای مردم کشور و یا ارسال برنامه‌ها به داخل چین اقدام کردند. سیاست‌های ماهواره‌ای هنگ‌کنگ با نزدیک شدن زمان بازگشت آن به زیر کنترل چین برای مدتی متوقف شد و به تدریج از سال ۱۹۹۸ سیاست‌هایی در راستای آزادسازی صنعت پخش ماهواره‌ای و حفظ موقعیت این کشور به عنوان مرکز ارتباطاتی و تجاری منطقه اتخاذ و اجرا گردید.

بررسی وضعیت ماهواره پخش مستقیم در این کشورها نشان می‌دهد، بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب و مورد قبول ماهواره‌ای جزء بسیار مهمی از سیاست ماهواره‌ای تمام کشورها است و در واقع ممنوعیت مطلق یا آزادسازی بدون محدودیت را نمی‌توان بدون

تمهید روش‌های مناسب برای استفاده شهروندان یک سیاست کامل و موفق دانست. یک عنصر و مؤلفه بسیار مهم در سیاست ماهواره‌ای گرایش و خواست مردم برای دسترسی به برنامه‌های (غالباً مطلوب و مثبت) ماهواره‌ای است (توماس، ۱۹۹۹) و بی‌توجهی به این خواست عمومی سیاست ممنوعیت مطلق را غیرقابل اجرا خواهد کرد. از سوی دیگر، سیاست آزادسازی مطلق و بدون محدودیت نیز شهروندان مشتاق برنامه‌های مطلوب و مثبت را در دنیای رسانه‌ای انباشته از پیام‌ها و محتواهای نامطلوب و زیانبار رها خواهد ساخت. پاسخ‌گویی به خواسته‌های رسانه‌ای مردم اصلی‌ترین محور سیاست‌گذاری رسانه‌ای است و این ضرورت ملی به بهترین نحو با راه‌اندازی یک سیستم تحت کنترل و تابع سیاست‌ها و ملاحظات فرهنگی و سیاسی ملی تحقق می‌یابد.

این نوع بهره‌وری می‌تواند شامل طیف وسیعی از برنامه‌های عملیاتی مربوط به ویژگی‌های محتوا و سازمان باشد. از نظر نوع محتوا می‌توان تمام ژانرهای برنامه‌ای مورد نظر را در چنین روشی در دسترس مردم قرار داد: برنامه‌های خبری و گزارش، فیلم و سریال، برنامه‌های مستند، علمی و آموزشی، مسابقه و غیره. محتوای دریافت شده از منابع خارجی می‌تواند، به زبان اصلی یا با زیرنویس یا به صورت دوبله شده یا حتی (با استفاده از چند باند صوتی) به صورت چند زبانه هم‌زمان پخش شود. در این روش امکان اعمال کنترل محتوایی (سانسور) به منظور حذف صحنه‌ها، گفتارها، و حتی کل برنامه‌های مغایر با مصالح فرهنگی و سیاسی به صورت قبل از پخش یا هم‌زمان (با تأخیر زمانی چند ثانیه‌ای تا چند ساعتی) به طور کامل وجود دارد. سازمان متولی راه‌اندازی و بهره‌وری از چنین سیستمی نیز می‌تواند به اشکال مختلف سازمان‌دهی شود. از نظر نوع مالکیت، سازمان مورد نظر می‌تواند به صورت دولتی، عمومی یا خصوصی (شرکت سهامی عام یا خاص) یا ترکیبی از آن‌ها ایجاد شود. بدیهی است، هر چند امکان کنترل سازمان و عملکرد آن در هر الگو متفاوت خواهد بود، اما با تعیین معیارهای مشخص و لازم‌الاجرا نظارت بر خصوصی‌ترین شکل مالکیت سازمانی نیز میسر خواهد بود. از نظر تعداد نیز می‌توان یک یا چندین ساختار را به وجود آورد تا امکان برخورداری مردم از مزایای رقابت کنترل شده (کیفیت بالاتر خدمات ارائه شده با هزینه کمتر) فراهم شود. محل استقرار بخش اداری و فنی زمینی نیز می‌تواند در هر نقطه از کشور یا حتی در یک کشور خارجی انتخاب شود. بدیهی است که این تصمیم تابع ملاحظات اقتصادی، نیروی انسانی و سیاسی عده‌ای خواهد بود، اما، در هر حال، محدودیت خاصی از نظر محل استقرار

وجود ندارد. پخش مجدد نیز می‌تواند از طریق ایستگاه‌های زمینی، شبکه‌های کابلی و یا پخش مجدد ماهواره‌ای عملی شود.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمام اجزای یک ساختار رسانه‌ای (مربوط به محتوا یا سازمان) قابل مطالعه و سیاست‌گذاری است و با توجه به ملاحظات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی می‌توان اشکال بسیار متنوع را تصور و پیگیری کرد. کشورهای دیگر نیز با توجه به ملاحظات خاص خود یک یا چند الگو را انتخاب و اجرا کرده‌اند.

هر یک از کشورهای مورد بررسی (براساس ساختار جمعیتی، ویژگی‌های فرهنگی و ژئوپلیتیک، ساختار سیاسی و ملاحظات مذهبی و ملی خویش) اشکال متنوعی از سیستم‌های بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب ماهواره‌ای را ایجاد کرده‌اند. این کشورها با انتخاب نوع محتوا، منبع تأمین محتوا، زبان پخش، سانسور محتوایی و همچنین نوع مالکیت و تعداد سازمان‌های مربوطه برنامه‌ها را تهیه، «پاکسازی» و سپس با روش‌های مناسب و در دسترس (زمینی، کابلی یا ماهواره‌ای) در اختیار شهروندان خود قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد تنها در چنین شرایطی می‌توان به پایبندی شهروندان به قوانین جاری امیدوار بود و یا از آشفتگی اطلاعاتی، هنجاری و رفتاری مردم در یک محیط فاقد قوانین محدودیت‌زا نهراسید.

با توجه به مباحث مطرح شده، گزاره‌های زیر را می‌توان به عنوان درس‌های حاصل از بررسی کشورهای آسیایی ارائه کرد:

۱- تمایل شهروندان به بهره‌وری مناسب از برنامه‌های مطلوب ماهواره عامل بسیار مهمی در سیاست‌گذاری ماهواره‌ای است؛

۲- برآورده نمودن خواسته‌های شهروندان از طریق یک سیستم ملی برای ضبط و پخش مجدد ماهواره‌ای عملی است؛

۳- اغلب کشورهای آسیایی از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی اقدام به راه‌اندازی سیستم‌های ملی بهره‌وری ماهواره‌ای کرده‌اند؛

۴- هر کشور می‌تواند براساس ملاحظات فرهنگی، سیاسی و امنیتی خود به طراحی یک سیستم مناسب پردازد؛

۵- در طراحی سیستم ملی بهره‌وری ماهواره‌ای می‌توان و باید معیارهای مربوط به نوع محتوا، زبان پخش، روش و میزان اعمال سانسور، نوع مالکیت و روش کنترل سازمانی و... را مشخص کرد؛

- ۶- در کنار سیستم ملی برای بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب ماهواره‌ای باید ممنوعیت یا آزادی دسترسی به محتوا و تجهیزات خارج از خدمات سیستم مذکور را روشن کرد؛
- ۷- برخی از کشورها دسترسی به محتوا و تجهیزات خارج از خدمات سیستم ملی خود را ممنوع کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر از کشورها دارای سیاست آزادی هستند؛
- ۸- کشورهایی که در کنار راه‌اندازی یک سیستم ملی برای بهره‌وری ماهواره‌ای، سیاست آزادی مطلق را اتخاذ کرده‌اند حداقل توانسته‌اند از جذب شدن بخش قابل توجهی از مردم به شبکه‌های خارجی جلوگیری نمایند.

مسئله ماهواره در ایران: گذشته، حال و آینده

از هر منظر و با هر رویکرد سیاسی و فرهنگی که به وضعیت ماهواره و تجهیزات دریافت کانال‌های تلویزیونی و رادیویی خارجی در ایران نگریسته شود باید آن را نامطلوب و بحران‌زا دانست. با وجود گذشت حدود یک دهه از زمان تصویب «قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ (و ابلاغ آیین‌نامه اجرایی آن در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۲۱ توسط هیئت دولت)، براساس برخی تخمین‌های غیررسمی، بیش از ۳ میلیون دستگاه گیرنده و بشقاب ماهواره‌ای در کشور وجود دارد، در حالی که، طبق گزارش نیروی انتظامی به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در طول مدت مذکور تنها کم‌تر از ۷۰/۰۰۰ دستگاه کشف و ضبط شده است. در حال حاضر، مطابق برآورد فوق، باید اذعان داشت که حدود ۱۵ میلیون ایرانی در خلوت خانه خود به برنامه‌های صداها کانال تلویزیونی پخش شده توسط ده‌ها کشور و شرکت خصوصی خارجی دسترسی کنترل نشده‌ای دارند. خطر بدآموزی‌های اخلاقی و رفتاری، به ویژه نسل جوان و خانواده‌ها را تهدید می‌کند و به دلیل ممنوعیت، والدین و تمام مردم از انتقال تجارب به یکدیگر و آموزش نحوه بهره‌وری مطلوب و کاستن از میزان خطرات و بدآموزی‌ها محروم‌اند.

شاید بسیاری از سیاست‌گذاران و فعالان سیاسی و فرهنگی علت شرایط جاری را به قانون ممنوعیت نسبت داده و از این منظر، تغییر قانون و رفع ممنوعیت را راه‌حل وضعیت موجود بدانند.

در واقع، قانون فوق از زمان طرح اولیه آن تا امروز مورد بحث و مناقشه بسیار بوده است. موافقان این قانون بر آن بودند که برنامه‌های ماهواره‌ای عمدتاً مخرب و مبتذل بوده و عامل

اصلی زدودن ارزش‌ها و معیارهای اصیل اسلامی و ملی است. در برابر، مخالفان نیز دلایلی نظیر اجرایی نبودن قانون به دلیل پیشرفت‌های فنی و حتی امکان افزایش بهره‌وری به دلیل تجری را یادآور می‌شدند. اما بررسی مشروح مذاکرات نشان می‌دهد هر دو گروه موافقان و مخالفان قانون ممنوعیت آن را مطلق و نقطه پایان وضعیت ماهواره نمی‌دانستند و حتی موافقان آن را اقدامی موقتی و تأخیری قلمداد می‌کردند تا فرصت مناسب برای تقویت و آماده‌سازی دستگاه‌های فرهنگی کشور فراهم شود. مشروح مذاکرات نشان می‌دهد راه‌کارهای عدیده‌ای برای برخورد با پدیده پخش مستقیم ماهواره‌ای اندیشیده شده بود که باید مورد پیگیری قرار می‌گرفت. ماده ۵ قانون ممنوعیت، سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مؤسسه رسانه‌های تصویری) را مجاز به ضبط و پخش برنامه‌های غیرمغایر با ارزش‌ها و مبانی فرهنگی اسلامی و ملی دانست و ماده ۴ تمام دستگاه‌های فرهنگی کشور را موظف به مطالعه و تبیین آثار مخرب استفاده از برنامه‌های منحرف‌کننده در جامعه ساخت. هم‌چنین، ماده ۱۰ قانون ممنوعیت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را موظف کرد تا با همکاری وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمان‌های ذی‌ربط از اهرم‌های حقوقی و بین‌المللی برای حراست از مرزهای فرهنگی کشور و حفظ کیان خانواده علیه برنامه‌های مخرب و مبتذل ماهواره اقدام کند.

با بررسی مشروح مذاکرات و متن مصوب قانون ممنوعیت سال ۱۳۷۳ می‌توان چنین نتیجه گرفت که شرایط نابسامان ماهواره در کشور تنها ریشه در قانون فوق ندارد، بلکه عدم اجرای کامل قانون ممنوعیت و به ویژه موارد ۴، ۵ و ۱۰ (بالاخص ماده ۵) آن را باید علت اصلی وضعیت موجود دانست. در واقع، برخی از سیاست‌های تصویب شده در قانون فوق بعداً به فراموشی سپرده شد و استراتژی ماهیتاً کوتاه‌مدت و جانبی ممنوعیت بزرگ‌نمایی و تبدیل به یک سیاست ظاهراً تمام عیار گردید. ذکر این نکته نیز مفید است که بخشی از علت خطای جایگزینی استراتژی به جای سیاست جامع را می‌توان به متن قانون فوق منتسب کرد: این قانون به هیچ وجه راه‌کارهای نظارتی مناسب را بر حسن اجرای مواد ۴، ۵ و ۱۰ پیش‌بینی نکرده بود.

در هر حال، از زمان تصویب قانون ممنوعیت تا حال تقریباً همه مسئولان عالی‌رتبه نظام، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و احزاب و جناح‌های سیاسی بر لزوم بهره‌وری مناسب از ماهواره و برنامه‌های مثبت آن تأکید کرده و یا ناممکن بودن عملی و فنی اجرای قانون

ممنوعیت و جمع‌آوری دستگاه‌های دریافت را گوشزد کرده‌اند. اصول کلی فوق مورد تأیید و تأکید مردم نیز قرار دارد. شایان ذکر مجدد است که مردم مجری اصلی و نهایی قانون و سیاست ماهواره‌ای هستند و توجه جدی به خواست و نگرش آن‌ها اهمیتی افزون دارد چرا که در صورت همکاری نکردن آن‌ها، مجریان اصلی قانون به مجرمان اصلی تبدیل خواهند شد.

یک نظرسنجی انجام شده در سال ۱۳۷۳ در شهر تهران نشان داد از نظر پاسخ‌گویان، مهم‌ترین علت گرایش به استفاده از ماهواره ضعف امکانات تفریحی و سرگرمی در جامعه و به خصوص ناتوانی برنامه‌های صدا و سیما در برآوردن نیازهای اقشار مختلف (از نظر برنامه‌های تفریحی و خبری) بوده است. پاسخ‌گویان مهم‌ترین راه مقابله با خطرات ناشی از ماهواره را استفاده از ابزار فرهنگی دانستند: تقویت کمی و کیفی برنامه‌های صدا و سیما، بالا بردن سطح آگاهی مردم و گسترش زیرساخت و امکانات فرهنگی در جامعه (صدا و سیما، ۱۳۷۳). نظرسنجی دیگری در همین سال نشان داد ۳۵ درصد پاسخ‌گویان ناخشنودی از برنامه‌های تلویزیون را عامل گرایش مردم به ماهواره دانسته بودند (واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات صدا و سیما، دی ۱۳۷۳). یک نظرسنجی دیگر در سال ۱۳۷۶ نشان داد نگرش مردم (به ویژه مردان) نسبت به استفاده از ماهواره در حد متوسط بوده است، در حالی که بیش‌تر مردم نسبت به برخی خطرات ماهواره آگاهی داشته و استفاده از ماهواره را در سطح جامعه و به ویژه توسط نوجوانان و جوانان موجد بدآموزی و مخاطرات فرهنگی دیگر می‌دانند (صدا و سیما، ۱۳۷۶). نظرسنجی‌های انجام شده در شهر تهران در سال ۱۳۸۰ نیز نتایج مشابه و ثابتی را به دست دادند.^۱ البته سه نظرسنجی انجام گرفته توسط سازمان صدا و سیما در ۳۰ و ۳۱ شهر کشور در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ نشان می‌دهند که در فاصله این سال‌ها بر میزان مخالفت با ماهواره افزوده شده است. هرچند افزایش مزبور را می‌توان به عوامل متعددی (از جمله روش‌شناسی نظرسنجی‌های فوق) نسبت داد، با این حال، حدود ۴۰ درصد کل جامعه شهرنشین ایران ماهواره را کماکان یک انتخاب فردی می‌دانند.

نظرسنجی‌های انجام شده در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ نشان می‌دهند که بیش‌تر مردم گرایش به استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای دارند و استفاده از آن‌ها را به طور کامل یا مشروط حق خود می‌دانند. هم‌چنین، پاسخ‌گویان بر این باور بوده‌اند که مهم‌ترین علل گرایش

۱- به عنوان نمونه نک: مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی (۱۳۸۰). خلاصه‌ای از این گزارش در روزنامه نوروز ۱۳۸۰/۱۲/۲۰ منتشر شده است.

به ماهواره ضعف امکانات تفریحی در جامعه و نقصان کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی است. این نگرش‌ها به ایجاد یک تقاضای چند میلیونی برای خرید و استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای منجر گردیده که توسط قاچاقچیان برآورده می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان گفت نظریه‌های ابراز شده توسط مسئولان عالی رتبه نظام، نمایندگان محترم مجلس، دستگاه‌های اجرایی، متخصصان و مردم در طول سال‌های گذشته دو اصل بنیادین و به هم پیوسته را در خود دارد: ضرورت بهره‌وری مناسب از برنامه‌های مطلوب ماهواره‌ای و مبارزه با رواج و دریافت کنترل نشده کانال‌های بعضاً زیانبار ماهواره‌ای. بررسی وضعیت ماهواره در سایر کشورهای آسیایی نشان داد دو ضرورت فوق‌الزاماً مانع‌الجمع نیستند و می‌توان، با تمهید روش و ساختارهای مناسب، به هر دو هدف فوق‌نایل شد. در حالی که ممنوعیت مطلق ضرورت نخست و آزادی بدون محدودیت ضرورت دوم را فدا می‌کند و، از این رو، قابل اجرا یا قابل پذیرش نیست. با راه‌اندازی یک سیستم ملی می‌توان برنامه‌ها و کانال‌های مورد قبول را در اختیار مردم قرار داد و هم‌زمان با استفاده از روش‌های فرهنگی و تبلیغی و همچنین روش‌های بازدارنده قانونی از تمایل برخی از شهروندان به بهره‌وری از برنامه‌های کنترل نشده کاست. بدیهی است روش‌ها و ساختارهای مطلوب برای کشور باید با توجه به ملاحظات مذهبی و فرهنگی و حتی اقتصادی و با مطالعه و بررسی دقیق، پیش‌بینی و اجرا شود.

بررسی وضعیت ماهواره در ایران مؤید گزاره‌های ذیل است:

۱- قانون مصوب سال ۱۳۷۳ به طور کامل اجرا نشده و به ویژه ماده ۵ آن مورد غفلت واقع شده است؛

۲- اکثریت قابل توجهی از مردم (به ویژه در تهران) مالکیت و بهره‌وری از تجهیزات ماهواره‌ای را وابسته به تصمیم شخصی خود و از مصادیق آزادی‌های فردی می‌دانند؛

۳- ضعف امکانات تفریحی در جامعه و کمبودهای رسانه‌های موجود باعث تداوم و استمرار تمایل مردم به استفاده از ماهواره می‌شود؛

۴- دستگاه‌های مسئول مبارزه با قاچاق و بهره‌وری غیرقانونی از تجهیزات ماهواره‌ای، در انجام وظایف خود موفقیت قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند؛

۵- مردم، شخصیت‌های سیاسی و متخصصان به دو اصل توأمان بهره‌گیری از برنامه‌های «مطلوب» و مبارزه با کانال‌ها و برنامه‌های «مخرب» اعتقاد دارند.

۶- ممنوعیت مطلق و نیز آزادسازی بدون محدودیت یکی از دو اصل فوق را نادیده می‌گیرد، یا خواهد گرفت؛

۷- راه‌اندازی یک سیستم ملی سنجیده و کنترل شده می‌تواند هر دو اصل فوق را تا اندازه زیادی ملحوظ و محفوظ بدارد؛

۸- سیاست بهره‌وری باید به عنوان محور اصلی و ممنوعیت یا آزادی ماهواره به عنوان مکمل در سیاست ماهواره‌ای ایران در نظر گرفته شود.

برخی ملاحظات نظری و اجرایی خاص ایران

به نظر می‌رسد، علی‌رغم موفقیت قابل توجه سایر کشورها در بهره‌وری مناسب از ماهواره، وضعیت ایران دارای ویژگی‌های خاص نیز باشد و توجه کافی به این ویژگی‌ها شرط موفقیت برنامه‌های اجرایی خواهد بود. بدیهی است که اهمیت ملاحظات ذیل تنها در صورتی روشن می‌شود که به بسترهای فرهنگی - رسانه‌ای و اقتصادی نظام ملی بهره‌وری از ماهواره توجه کافی مبذول گردد. این بسترها در تعیین نوع و نیز میزان موفقیت برنامه‌های موردنظر نقش کلیدی خواهد داشت.

۱- مهم‌ترین مشخصه انحصاری ایران را باید در محدودیت‌های خاص تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی دانست. به نظر می‌رسد از این نظر تلویزیون ایران شاید حتی در جهان اسلام نیز موقعیتی استثنایی - یا حداقل دارای موارد مشابه بسیار محدود - داشته باشد. در حال حاضر، تولید و پخش برنامه‌های خبری، فیلم و سریال و حتی مستند و مسابقه تلویزیونی تابع مقررات و معیارهای نوشته و نانوشته بسیار محدود کننده‌ای است که شامل موازین گفتاری، رفتاری، موسیقی، موضوع، نحوه پردازش و... می‌شود. به نظر می‌رسد، هرگونه بهره‌وری از ماهواره در میان مدت، موجد یک وضعیت متناقض خواهد بود.

الف) در یک سو، اگر محتوای کانال‌های ماهواره‌ای مورد نظر تابع معیارهای جاری تلویزیون در ایران باشد: (۱) پیدا کردن کانال‌ها و برنامه‌های واجد این شرایط که از نظر کیفیت فنی و محتوایی نیز قابل قبول باشند بسیار سخت خواهد بود و در نتیجه پر کردن وقت پخش چندین کانال که هر کدام چند ساعت در شبانه‌روز فعالیت کنند مسئله‌ای بسیار جدی خواهد شد. چنین گزینشی، هم‌چنین (۲) برآوردن خواسته‌ها و رجحان‌های محتوایی مخاطبان (یا دست کم بخش قابل توجهی از آن‌ها) را غیرممکن خواهد کرد. در چنین شرایطی کانال‌ها و

برنامه‌ها تنها به صورت عددی و نه محتوایی متکثر خواهد شد در حالی که تجربه تکثر کانال‌های تلویزیونی در سال‌های اخیر مؤید آن است که ناخشنودی کامل مردم از برنامه‌های تلویزیون بیش‌تر به نوع محتوا مربوط می‌شود تا به تعداد صرف کانال‌ها. در نتیجه، می‌توان پیش‌بینی کرد بخش‌هایی از مردم هم‌چنان به بهره‌گیری از کانال‌های غیرمجاز و زیانبار ادامه دهند.

ب) از سوی دیگر، در صورت تعیین معیارهای متفاوت و مسامحه‌گرانه‌تر در گزینش محتوا برای کانال‌های موردنظر هم حداقل دو مشکل عمده رخ خواهد داد: (۱) کانال‌های تلویزیونی ملی - که به عنوان رسانه ملی وظیفه تولید و پخش محتواهای داخلی و هدایت فرهنگی و کمک به تقویت هویت ملی را به عهده دارد - در رقابت با محتوای عمدتاً خارجی و جذاب‌تر به رسانه درجه دوم تبدیل خواهد شد و وضعیت جاری در بین برخی از خانواده‌ها (که ماهواره رسانه اصلی آن‌ها است) تداوم و گسترش خواهد یافت. هم‌چنین، انتخاب معیارهای مسامحه‌گرانه‌تر برای کانال‌های ماهواره‌ای، (۲) باعث ایجاد تردید در مشروعیت سیاست‌های محتوایی سازمان صدا و سیما در بین مردم خواهد شد و، در نتیجه، با افزایش بی‌اعتمادی به مشروعیت فرهنگی آن، بی‌اعتنایی به اهداف و برنامه‌های فرهنگی (مذهبی و ملی) اجرا شده توسط صدا و سیما ایجاد خواهد شد.

به نظر می‌رسد تنها راه برون رفت از وضعیت متناقض نمای فوق تدوین هم‌زمان معیارهای تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی در کانال‌های موجود زمینی و کانال‌های ماهواره‌ای خواهد بود. این راه‌حل، به طور حتم، مستلزم بازاندیشی در موازین فرهنگ تصویری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود تا امکان اعمال سلیقه شخصی از بین رفته و یک مجموعه همگن، روشن، و ثابت از معیارها و موازین در فرهنگ تلویزیونی کشور متجلی شود.

۲- نوع مالکیت (دولتی، عمومی و یا خصوصی)، وابستگی سازمانی و مدیریت سازمان متولی کانال‌های ماهواره‌ای نیز مستلزم روشن شدن چند سیاست بنیادی‌تر است. در صورت تلقی چنین سازمانی به عنوان یکی از مصادیق پخش رادیویی و تلویزیونی، براساس برداشت و تفسیر موجود از مفاد قانون اساسی، تشکیلات فوق باید در اختیار سازمان صدا و سیما قرار گیرد و در این صورت این سازمان امکان ایجاد هرگونه رقابت (برای جذب آگهی و جلب توجه و اعتماد بینندگان) را از بین خواهد برد و سازمان و کانال‌های ماهواره‌ای را به عنوان پشتیبان سیاست‌های خود هدایت خواهد کرد. در صورت واگذاری این شبکه به یک یا چند دستگاه

دولتی یا خصوصی نیز دسترسی به دانش فنی و نیروی متخصص یکی از مشکلات اصلی خواهد بود. با توجه به انحصاری بودن تجربه مدیریت در امور مربوط به تولید و پخش رادیویی و تلویزیونی و فقدان تجربه کافی در بخش خصوصی، به احتمال بسیار زیاد و دست کم در کوتاه مدت، خطاهای فنی و محتوایی عدیده‌ای بروز خواهد کرد و احتمالاً تنش‌های فرهنگی و سیاسی خاصی ایجاد خواهد شد.

۳- ملاحظه دیگری که برای نیل به موفقیت در ساماندهی امور فرهنگی کشور شایان توجه جدی است، به نگرش مدیریت کلان کشور مربوط می‌شود. بهره‌وری از ماهواره نباید به عنوان یک سیاست کامل نگریسته شود و بلکه باید هم‌زمان سیاست‌های دیگری نیز پیگیری شود تا مجموعه اقدامات و برنامه‌ها به سلامت فرهنگی و رسانه‌ای جامعه کمک کند. در این جا فقط دو محور سیاست‌گذاری دیگر ذکر می‌شود تا اهمیت این ملاحظه روشن‌تر شود:

الف) توسعه و گسترش فضاهای تفریحی و فرهنگی (مانند فرهنگ‌سرا، سینما، تئاتر، پارک‌های تفریحی، مراکز بازی و سرگرمی، کتابخانه و نظایر آن‌ها) باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. راه اندازی کانال‌های جذاب ماهواره‌ای در دراز مدت «تصویری» تر شدن فرهنگ و شیوه تفریح، گذران اوقات فراغت و زندگی مردم و به ویژه نوجوانان و جوانان را به دنبال خواهد داشت، یعنی، تفریح و زندگی مردم بیش از پیش به نشستن در برابر صفحه تلویزیون وابسته‌تر خواهد شد و این، به نوبه خود، نسلی انفعالی، فردگرا و انزواطلب را خواهد آفرید. ضرورت توجه به نقش و اهمیت روحیه تلاش و فعالیت، ورزش، مطالعه و تفریحات تعاملی و غیرخانگی تنها با توسعه فضاهای مربوطه برآورده خواهد شد.

ب) یک سیاست رسانه‌ای کامل بدون توجه شایسته به نقش و اهمیت «سواد رسانه‌ای» مردم و تمهید روش‌های مناسب برای افزایش آگاهی مردم و به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان نسبت به جایگاه رسانه‌ها و مکانیسم‌های اثرگذاری آن‌ها میسر نیست. تهیه و بهره‌گیری از کتاب‌های درسی و برنامه‌های صوتی و تصویری آموزشی در مدارس، محله‌ها و نیز از طریق رسانه‌های جمعی باید به عنوان یک وظیفه و حتی به شکل یک نهضت اجتماعی پیگیری شود تا افراد اصول بهره‌وری مناسب خود و سایرین از رسانه‌ها را بیاموزند. برای نیل به این هدف، آموزش والدین نیز باید مورد توجه باشد تا آن‌ها بتوانند (به عنوان نزدیک‌ترین معلم و مربی) فرزندان این آب و خاک را به عنوان نسلی فعال، اجتماعی و پرتلاش تربیت کنند.

۴- وضعیت کنونی بخش صنعت و خدمات جانبی مربوطه در ایران می‌تواند موجب یک

خطر جدی برای فعالیت شبکه مورد نظر باشد. فقدان تشکیلات و اصول و موازین حرفه‌ای، غلبه فعالیت‌های غیرقانونی و وجود ده‌ها و حتی صدها هزار واحد مخابراتی غیرقابل کنترل می‌تواند تمام برنامه‌ریزی‌ها و عملیات متمرکز را خنثی کند. تولید غیرقانونی گیرنده‌های خاص یا تولید و تکثیر کارت‌های احتمالی اشتراک باعث وارد شدن خسران مالی جدی به عملیات سازمان مورد نظر خواهد شد. تجربه صنایع مشابه (لوح فشرده، نوارهای صوتی و فیلم‌های ویدیویی) نشان می‌دهد این عامل بسیار اثرگذار است و معمولاً در جهت تخریب عمل می‌کند.

به نظر می‌رسد طراحی و اجرای برنامه‌هایی برای ساماندهی به وضعیت بخش خدمات فنی مربوطه بسیار ضروری است. سازماندهی واحدهای خدماتی در قالب اتحادیه صنفی می‌تواند امکان نظارت درونی را افزایش دهد. هم‌چنین، طراحی سیستم ملی بهره‌وری ماهواره‌ای - به ویژه اگر به طراحی و ساخت گیرنده‌های خاص یا کارت مخصوص متکی شود - باید از روش‌های بازدارنده قانونی و مجازات استفاده کند تا از تولید و تکثیر غیرقانونی تجهیزات اختصاصی جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی، همانند سایر فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، قابلیت‌های بسیار گسترده‌ای دارند و نمی‌توان مردم را، صرفاً به دلیل هراس از پیامدهای ناخوشایند برخی از محتواها، از بهره‌وری مثبت و سازنده محروم نمود. نوآوری‌های جدید ارتباطی بهره‌وران را، فارغ از نظارت و کنترل دستگاه‌های حکومتی، در برابر گزینه‌های متنوعی از کانال‌ها و محتواهای رسانه‌ای قرار می‌دهند. در این شرایط بی‌توجهی رسانه‌های داخلی (که با هر نوع مالکیت دولتی، عمومی و یا خصوصی به هر وجه تحت کنترل ملی قرار دارند) به سلیق و رجحان‌های مخاطبان باعث اقبال آن‌ها به کانال‌های غیرقابل کنترل خارجی و محتواهای بعضاً نامطلوب و زیانبار می‌شود. پاسخ‌گویی مناسب به خواست‌های رسانه‌ای شهروندان مستلزم توجه جدی به نظریه‌های جامعه - محور و ایجاد امکانات لازم برای تکثیر سازمانی، رسانه‌ای و محتوایی می‌باشد.

در ایران، قانون ممنوعیت مصوب سال ۱۳۷۳ در مبارزه با رواج محتواهای زیانبار ماهواره‌ای توفیق غیرقابل مناقشه‌ای نداشته و در آینده نیز با سهل‌تر شدن دسترسی مردم به

ماهواره - در نتیجه ظهور و رواج تکنولوژی‌های پیش‌رفته‌تر - ناموفق‌تر خواهد بود. مردم و متخصصان همراه با بیشتر شخصیت‌های سیاسی بر ضرورت بازاندیشی در سیاست ماهواره‌ای کشور و تغییر محور ثقل قوانین مربوطه تأکید دارند. علت ناکامی سیاست ماهواره‌ای ایران نادیده گرفتن خواست و تمایل مردم به بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب است و، از این رو، تغییر مشی باید به سوی تمهید روش‌های مناسب برای افزایش بهره‌وری صورت گیرد. تجربه کشورهای آسیایی نشان می‌دهد با ایجاد یک یا چند سیستم ملی می‌توان برنامه‌های مورد قبول ماهواره‌ای را در دسترس شهروندان علاقه‌مند قرار داد و از این طریق از سوق یافتن خواسته‌های آن‌ها به بازار قاچاق و ورود پیام‌ها و محتواهای زیانبار و نامطلوب به حریم خانواده‌ها جلوگیری کرد.

منابع

- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳) *نظرسنجی از مردم تهران درباره ماهواره*، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶) *بررسی نگرش مردم نسبت به استفاده از ماهواره*، مجری: سیروس فخرایی، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰) *الگوی استفاده از ماهواره (۲) استفاده و تأثیرات*، تهران: تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱) *نظرسنجی از ساکنان ۳۱ شهر درباره استفاده از شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای*، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲) *نظرسنجی از مردم ۳۰ شهر درباره برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای*، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳) *نظرسنجی از شهروندان ۳۰ شهر کشور درباره شبکه‌های ماهواره‌ای*، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.

- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (دی ۱۳۷۳) *نظرسنجی درباره ماهواره*، تهران: واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.
- کاستلز، م. (آ ۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ج ۱: ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کاستلز، م. (ب ۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ج ۲: قدرت هویت، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.
- کاستلز، م. (ج ۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ج ۳: پایان هزاره، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- محسنیان راد، م. (۱۳۷۳) *آنتن‌های ماهواره‌ای در آسیا*، مجلس و پژوهش، ش ۱۱.
- مک کوایل، د. (۱۳۸۰) *مخاطب‌شناسی*، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- منتظر قائم، م. (۱۳۸۱) «حکومت الکترونیکی و دموکراسی دیجیتال: سیاست و حکومت در عصر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTs)»، و *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۸۱، صص. ۲۲۷-۲۵۹.

- Barraclough, S. (2001) *Pakistani Television Politics in the 1990 s: Responses to the Satellite Television Invasion*, Gazette 63 (2): 225-239.
- Chan, J. Man (1994) "National Responses and Accessibility to STAR TV" in Asia, *Journal of Communication* 44 (3): 112-131.
- Collins, R. (1994) *Broadcasting and Audio - Visual policy in the European single Market*, London: John Libbey.
- Cuilenberg, J.V & Slaa, P. (1993) "From Media Policy Towards a National Communications Policy: Broadening the Scope", *European Journal of Communication*, 8 (1): 149-176.
- Gillespie, M. & Cheesman, T. (2002) "Media cultures in India and the South Asia Diaspora", *Contemporary South Asia*, 11 (2): 127-133.
- Humphreys, P.J. (1996) *Mass Media Policy in Western Europe*,

Manchester UK: Manchester University Press.

- Johnson-Freese, J. (2001) "Mixed Prospects for Satellite Communications in the Asia-Pacific Region", *Pacific Telecommunications Review*. 22(1): 226.
- Karhigesu, R. (1994) "Broadcasting deregulation in Asian nations", *Media Culture, & Society*. 16 (1): 73-90.
- Kit-WaiMA, E. (2001) "Consuming Satellite Modernities", *Cultural Studies*, 15 (3): 444-463.
- McQuail, D. (1994) *Mass Communication Theory*. 3rd ed, London: Sage.
- Melkote, S.R.; Shields, P. & Agrawal, B.C. (eds.) (1998) *International Satellite Broadcasting in South Asia: Political, Economic and Cultural Implications*, Lanham, MD: University Press of America.
- Nickelson, R. (2001) "Satellite Systems for the Next Decade", *Pacific Telecommunications Review*, 22 (1): 39-48.
- Pashupati, K.; Sun, H.L.; McDowell, S.D. (2003) "Guardians of Culture, Development Communicators, or State Capitalists?: A Comparative Analysis of Indian and Chinese Policy Responses to Broadcast, Cable and Satellite Television", *Gazette*, 65 (3): 251-271.
- Pristua, R.H. (1993) "Policy Research", in R. Wimmer & R.J. Domick (eds.). *Mass Media Research*, Belmont, Calif.: Wadsworth Publishing.
- Schiller, H.I. (1998) "Striving for Communication Dominance"; A Half Century Review, in D.K. Thussu (ed.) *Electronic Empires: Global Media and Local Resistance*, London: Arnold.
- Schwartz, R.E. (1996) *Wireless Communicatins in Developing Countries: Cellular and Satellite Systems*, Boston, MA: Artech House.
- Siune, K. & McQuail, D. (1986) "Media policy in transiton", in Denis

McQuail & K Siune (eds), *New Media Politics: Comparative Perspectives in Western Europe*, London: Sage.

- Slack, E. (2001) "A Brief History of Satellite Communications", *Pacific Telecommunications Review*, 22 (1): 7-21.

- Thomas, A. O. (1998) "Transnational satellite television and advertising in South East Asia", *Journal of Marketing Communications*, 4 (4): 221-236.

- Thomas, A. O. (1999) "Regulating the Access to Transnational Satellite Television"; *Shifting Government Policies in Northeast Asia*, Gazette, 61 (3-4): 243-254.

- UNESCO (1997) *World Communications Report: The Media and Challenges the New Technologies*, Paris: UNESCO.

- UNESCO (1999) *World Communications & Information Report*, Paris: UNESCO.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی